

روزنامه‌های دشوارپسند ایرانی را سر شعف آورد که گفتند آری این همان تیم محبوب و سرحال ماست. آنقدر که به پیروزی یک بر صفر دروزر پیش تاخته بودند، از این مساوی دل‌با ستایش کردند و حشمت به شکرانه همین ستایش‌ها بود که بعد از بازی بچه‌هایش را از اردو مرخص کرد که بروند خانه و یک دل سیر از غذای مادران‌شان بخورند و بلمند و بکپند و خوش باشند. آن روز در ورزشگاه یکصدهزار نفری فقط ۱۵ هزار تماشاچی دل دادند و قلوه گرفتند و خالی بودن سکوهای مشرقی و مغربی استادیوم نوی چشم می‌زد. الان از آن پانزده بازیکنی که جلوی روس‌ها درخشیدند (۱۱ فیکس و ۴ تعویضی) دوتایشان در قبرستان‌ها خسبیده‌اند و هیچ خطره‌ای از آن بازی‌ها را با ملاقات کنندگان سنگ قبرشان یادآوری نمی‌کنند (ناصرحجازی و غلامحسین مظلومی (، شش تایشان غربتی شدند (نظری، اسکندریان، نایب آقا، قلیچ، بشکار و خورشیدی) که از آن میان مجید بشکار خوزستانی بعد از انقلاب به هند رفت و آنجا تیمی ساخت که برای همیشه در یاد مفسران جوگندمی فوتبال هندوستان ماند. از آن ۱۵ ستاره دهه پنجاهی البته هنوز تک و توک بازماندگانی در فوتبالفارسی حضور دارند که منصور رشیدی، علی سلطون، دکتر ذوالفقار، عمونصی، ابی قاسمیور، حسن روشن و غفورجهانی از آن جمله‌اند.

تیم ملی ایران در ۲۵ دقیقه از این بازی، یکی از سرحال‌ترین چهره‌های تاریخی خود را رو کرد و چنان شیک و پیک و سیال بازی کرد که روس‌ها روی به تاکتیک سردکننده بازی آوردند تا در فوتبال روان و مدرن ایران، پریشانی به وجود آورند. آن روزها که موسم قله‌نشینی فوتبال ایران در قاره پیر بود و یکی یکی تمام جام‌های آسیا از جنگ حریفان می‌ریود و اعتنایی به هیچ کدام‌شان نمی‌کرد گاهی رسانه‌ها و تماشاچی‌های سخت‌پسند از بازی سرد و محافظه‌کارانه ایران انتقاد می‌کردند و خون حشمت را می‌ریختند. به عنوان مثال، در همین روزهای مبارزه با شوروی در تهران، مفسر شهیر صفحات ورزشی روزنامه رستاخیز از هو کردن تیم ملی توسط تماشاگرانی که طالب بازی‌های هجومی‌اند انتقاد کرد و نوشت: «این صدای ناهنجار که می‌شنویم آژیر خطری است برای همه آنهایی که در استادیوم‌های بزرگ می‌دانند گاه روح شیطان بر انسان غالب می‌شود و گاه فرشته معصومیت به دست اهریمن گناه، مغلوب می‌شود. تماشاگرانی که ضدحمله را نوعی فرصت‌طلبی و بازی با دروازه‌بان را ضدفوتبال تلقی می‌کنند و تیم ملی را هو می‌کردند بدانند که هو کردن تیم ملی اهانت به خویشتن است». اما دو روز بعد وقتی تیم ملی و شوروی ۲–۲ از بازی بیرون آمدند کبک حشمت خروس می‌خواند. او به پهنه دهانش می‌خندید و از قضا بچه‌ها را هم از اردوگاه مرخص کرد که بروند و کسالت‌های اردویی را از تن بشویند و برگردند. حشمت رو به خبرنگاران گفت: «دیگر امیدوارم این بازی مورد پسند مشکل‌پسندان واقع شود». اما داستان این بود که مهاجرانی در راه اعزام و انتخاب تیمش به مونترال بزرگترین اشتباه دوران مربیگری‌اش را مرتکب شد و بعدها خود

بارها به این نکته اذعان کرد که اگر تحت تأثیر دهن بینان قرار نگرفته و بیخود و بی‌جهت از خیر دو ستاره خوزستانی تیم ملی –کازرانی و صادقیمنی گذشتم و مجموعه را مثل همیشه پدرا نه مدیریت می‌کردم برای نخستین بار صعود تیم ملی به دور نهایی المپیک هم مقدور بود و به افتخارات فوتبال ایران اضافه می‌شد.

روزنامه رستاخیز در تحلیل بازی ۲–۲ ایران و شوروی نوشت: «تیم ملی ما سرانجام خود را یافته است و می‌تواند با یک استخوان بندی توجیه شده شکل بازی خود را بروز دهد». شاید اگر آن روز آن اشتباه مرگبار را حجازی مرتکب نمی‌شد این بازی می‌توانست ازستایش برانگیزترین دیدارهای تیم ملی باشد. آن روز مثلث نظری پروینروشن در جناح راست

تیم ملی ایران در ۲۵ دقیقه از این بازی، یکی از سرحال‌ترین چهره‌های تاریخی خود را رو کرد و چنان شیک و پیک و سیال بازی کرد که روس‌ها روی به تاکتیک سردکننده بازی آوردند تا در فوتبال روان و مدرن ایران، پریشانی به وجود آورند. آن روزها که موسم قله‌نشینی فوتبال ایران در قاره پیر بود و یکی یکی تمام جام‌های آسیا از جنگ حریفان می‌ریود و اعتنایی به هیچ کدام‌شان نمی‌کرد گاهی رسانه‌ها و تماشاچی‌های سخت‌پسند از بازی سرد و محافظه‌کارانه ایران انتقاد می‌کردند و خون حشمت را می‌ریختند

زمین، ترکیبی بدیع و شعرانه ساخته بود که از آن آتش و خلاقیت و ترقص می‌بارید و تماشاگران ایرانی تا مدت‌ها به این مثلث جهنمی دل باخته بودند. رستاخیز نوشت: «تیم ما در ابتدای بازی چنان تحت تأثیر بازی روس‌ها واقع شده بود که گویی فاقد جهان‌بینی فوتبالی است. نمی‌دانست که دربارہ روس‌ها باید نظام کاری آنها را گسست». آن روز غیر از شوت‌های محشر قلیچ که خواب‌پرنندگان خیابان ورزنده را هم مشوش کرده بود، فرارهای عالی پسر ریش خرمایی ما حسن نظریکه نوید ظهور یک بک راست مدرن و اروپایی را داد به دل تماشاچی‌ها نشست. «حسون» مردی بود که خلاف عادت بک راست‌های ازلی فوتبال ایران که در یک خط طولی ممتد نفوذ می‌کنند گاه بعد از نفوذی تمام ناشدنی، در موقعیت سانتر فوروارد قرار می‌گرفت و شوت می‌زد و روس‌ها را روانی می‌کرد. در دقیقه ۱۹ بازی وقتی که خط دفاع روس‌ها روی حرکت پا به توپ ابی قاسمیور پنالتی داد که پروین با مکاری تمام آن را زد، دوازده دقیقه بعدش نفوذ اسلوبودان در حالی که همه را کودکانه دریل زده بودحتی منصور رشیدی گلرمان راا پای بودان را قایید و داور روی تپه گچی ایستاد و پنالتی را با پنالتی، ییره یر کرد. تیم ما در ابتدای نیمه دوم چیزی حدود ۲۵ دقیقه چنان نمایش

ویژه‌نامه آخر هفته

پرونده هفته

پرونده هفته

پرونده هفته

بود که روز یکشنبه چهاردهم آبان برگزار شد. روزنامه اطلاعات به شماره ۱۰۶۴۸ در تک شماره سه ریالی خود در حالی که در صفحه روی جلدش از شورش در عراق نوشته که هزار کشته روی دست‌شان گذاشته‌است به قلم فیروز مجلی گزارشگر ورزشی روزنامه خود گزارش بازی آزارات تهران و اسپارتاک به داوری اصغر تهرانی را چنین پوشش داده است: «تماشاگران این مسابقه قسمت اعظم تریبون‌های امجدیه را اشغال کرده بودند و بین تماشاگران شرط‌بندی بر سر نتایج مسابقه رواج داشت چون غالب تماشاگران بعد از مسابقه روز جمعه دارایی با اسپارتاک، کم و بیش با تکنیک و تاکتیک تیم میهمان آشنا شده بودند اکثرا نتیجه مسابقه را با ۴ گل اختلاف به نفع اسپارتاک پیش‌بینی می‌کردند. تیم فوتبال ارامنه را فوتبالیست‌های جوان تشکیل می‌دادند که نسبت به حریف خود به طرز محسوسی کم تجربه و میدان ندیده بودند و اغلب جوانان کم سن و سال ارامنه با فعالیت خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کردند، عجب اینکه تا آخر مسابقه هم با این حرارت دنبال توپ می‌دویدند ولی به خوبی پیدا بود که در استپ و جاگیری ضعیف هستند. دفاع اسپارتاک مانند مسابقه قبلی، نفوذناپذیر بود و از یک چپ این تیم هیچ تپویی رد نمی‌شد. روش بازی میهمان ۴–۲–۴ بود. گارنیک مهربابیان نقش عارف را در تیم تاج بازی می‌کرد. گلر ارامنه واهان سیمونیان چند توپ خطرناک را به جان خرید و یکبار هم توپ به تیر دروازه‌اش برخورد کرد که به موقع توپ را بلعید، وگرنه گل می‌شد. مساوی کردن با تیم اسپارتاک در نیمه اول برای تیم ارامنه موفقیت‌آمیز بود. این جمله‌ای بود که همه ۱۵ هزار تماشاگر بازی و متخصصین فن در پایان نیمه اول تکرار می‌کردند. اسپارتاک در نیمه دوم بازی را گرفت و بر میدان مسلط شده بود. دقایق خطرناکی در کنار دروازه ما می‌گذشت و سرانجام در دقیقه ۵۱ اولین توپ وارد دروازه ارامنه شد. اکنون بازی گرم‌تر شده بود و ارامنه به جای عقب‌نشینی به حمله می‌پرداخت. مثل اینکه موقعیتش را تشخیص داده بود که اگر حمله نکند روحیه خود و مسابقه را یکجا خواهد باخت. باختی که با خوف از حریف نصیبش می‌شد. در دقیقه ۶۷ تابلوی میدان چنین نشان می‌داد: اسپارتاک ۲ ارامنه صفر. فورواردهای ارامنه با استفاده از فرصت به دروازه حریف هجوم می‌بردند که گوش چپ ارامنه با یک شوت دروازه حریف را باز کرد. فریاد گل گل و هورا و کف زدن ۱۵ هزار تماشاگر، امجدیه را به لرزه درآورده بود. اولین گل وارد دروازه اسپارتاک شده بود و این برای مردم حیرت‌انگیز بود. یاد فضولی زوزه می‌کشید و بر چهره‌های تماشاگران شلاق می‌زد. تماشاگران که از سرما به جان آمده بودند تریبون‌ها را ترک می‌کردند و در پناهگاه‌ها موضع می‌گرفتند. هوا رو به تاریکی می‌رفت و توپ همچنان در زمین کچل و رنگارنگ امجدیه جولان می‌داد. اسپارتاک در دقایق آخر یک گل دیگر به جدول امتیازاتش زد و دومین مسابقه خود را ۳–۱ به پایان برد.» در تیم آزارات، سیمونیان، ماطاوسیان، کاراپتیان، میرزائیان، گوگوش آراکلیان، استپانیان، قازریان، کوراپیان، مهربابیان و هاراطونیان بازی

به «امیدها»، امید بستن، بی‌جان‌بست

نترسیداز «های» این و «هوی» آن– کار خوب را دنبال کنید

تکتیک.

خاصیت اول– یعنی کار گروهی را باید بحساب جوانی و خاصیت یادگیری و شوق بازی ایتان نهاد. چیزی که در نزد مثلا بزرگان وجود ندارد. گاهی اصلا وجود ندارد و زمانی هم که کم به چشم میخورد. خاصیت دوم و سوم، نیز محصول تمعلیل نشدن مسابقات باشگاهی است. زندگی درجام و شرکت در تمرینات همواره حرف‌ماز باشگاهی، این خاصیت را دارد که باشگاهها بهاطر پیروزی و درآمد بیشتر، و گروهی‌ا از بازیکنان– که از آنها در همین تیم‌شب پیش هم وجود داشت– برای گرفتن پاماداش، زیاد تمرین کنند. حالا اگر چندان با حساب و کتاب نیست به‌رحال تمرین همیشگی و دائمی هست. تنبل‌خانهای هم‌ماهر نیست. تنبل خانهای که درآن بجای آماده‌شدن انگار ه‌لرزه و خسته میشوند. از خواص اردوهای دراز مدت یسگی هم آنست سیرشدن از بازی.

حالا ماماندمایو یک بازی قابل قبول، با سه گل دیدنی و یک پیروزی غیرقابل باورروی حریفی صاحب نام اما همه چیز همین نیست. ما صاحب یک فکر تازه هم شدمایم که در اولین دومین قدم اصالتش و حقانیتش بر همه ثابت شد. دیگر به جریمات جام جهانی کاری نداریم و این افسوس و تضرع که اگر اینها آنها بوده و آنهمه زحمات بیمای ایتان نثار میشد چه میشد.

اما باین کارداریم تا به رهبران فوتبال بگوئیم: نترسید، از های این و نه از هوی آن. کارخوب را دنبال کنید. تیم‌را هم جوان کنید و همیاک و منزه. کارباین ترتیب است که به سامان میرسد. راه قبلی نتیجه پیشین رامیدهد. نتیجه خوب، را باید باین ترتیب گرفت، مثل میشب و با ابزار دیشب با بچه‌های خوب و صاحبان بازی خوب. و مهمتر از همه، باخوش اخلاقان با کدل که هنوز همه چیز را مثل خیلها برای پول و فقط پول نمی‌خواهند. با اینها و آنها که هنوز بازی، با دست دادند.

محشری ارائه کرد که تماشاگران چشم‌هایشان را می‌مالیدند که این واقعا ایران است یا تانک‌های منظم روس که آنور میدان ایستاده‌اند؟ به نوشته رستاخیز: «ما در آن ۲۵ دقیقه هفت بار به دروازه حریف شو تیدیم که دستکم می‌توانست سه گل برای‌مان داشته باشد». همچنان که رشیدی در گل ابل بی‌تقصیر نبود، حجازی هم در نیمه دوم با خروج بی‌نتیجه و مبتدیان‌اش در هنگام کرنر روس‌ها گلی بادآورده نصیب خرس‌ها کرد که با همان گل، شاد و خندان سمت انزلی رفتند تا به خانه برگردند.

البته روابط فوتبالی ایران و همسایه شمالی فقط در حوزه تیم‌های ملی برقرار نبوده و در بخش باشگاهی نیز گاهی خاطره آفرین بوده است. از جمله آنها در آبان ۱۳۴۰ رخ داد که باشگاه معروف اسپارتاک مسکو برای برگزاری چهار بازی تدارکاتی به تهران آمد و هر چهار بازی را هم برد و بی‌آنکه باجی به چهار باشگاه برتر ایران بدهد به سمت ایروان برگشت. آنها در بازی اول مقابل دارایی تهران ۲ بر صفر پیروز شدند. در بازی دوم تیم منتخب ارامنه تهران ۳ بر یک از اسپارتاک شکست خورد و دیدار دو تیم معروف دهه چهل تاج و شاهین با میهمان قدرقدرت شمالی نیز همچنان با شکست میزبانان تمام شد. شاهین ۴ تا خورد و تاج فقط با یک گل خورده از حیثیت فوتبالفارسی دفاع کرد. انگار بچه‌های مویور و چشم آبی اتحاد جماهیر شوروی فقط در روز آخر جلوی تاجی‌ها طعم مقاومت را چشیدند.

بازی اول با دارایی تهران روز جمعه ۱۲ آبان ۱۳۴۰ با داوری داودخان نصیری و کمک صدری و فیروزفر در حضور ۲۵ هزار تماشاگر و عده‌ای از شخصیت‌های ورزشی در امجدیه برگزار شد. در این دیدار عزیز اصلی در نقش فوروارد بازی کرد! اما نتوانست تیمش را از شکست نجات دهد. روزنامه اطلاعات ۱۳ آبان ماه در گزارش این دیدار دستگرمی نوشت: «بازی بسیار جالب و مهیجی بود. تیم دارایی خیلی خوب مقابل اسپارتاک حمله و دفاع می‌نمود و تا آخرین دقیقه هافتایم اول توانست مبارزه کند اما در دقیقه آخر در اثر یک اشتباه اولین توپ با شوت آنتانیان سانترفوروارد اسپارتاک وارد دروازه دارایی شد و داور سوت ختم نیمه اول را به صدا درآورد. در هافتایم دوم فوتبالیست‌های دارایی با داریی به حرارت زیاد تلاش می‌کردند تا شکست را جبران کنند». در دقیقه ۱۶ هافتایم دوم بیگلریان بغل راست اسپارتاک تویی را از سه نفر از بازیکنان دارایی رد کرد و با یک شوت وارد دروازه حریف نمود. مربی و کوچ دارایی آقای حسین فکری بود و بازیکنان عبارت بودند از ناصر سلطانی دروازه‌بان، محسن حاج نصرالله سانترهافبک و کاپیتان تیم، مصطفی عرب بک چپ، غلامحسین نوریان هافبک چپ، رضا حیدری هافبک راست، محمد ظهوری بک راست، عزیز اصلی گوش راست، غلامحسین اصلانی بغل راست، داود حیدری سانترفوروارد، ناصر نوآموز بغل چپ و محسن کدخدا گوش چپ.»

دومین دیدار روس‌ها در تهران با تیم منتخب ارامنه ایران

کیفیت روحی کسانیکه فردای فوتبال ما، مال آنهاست. گفتیم تیم جوان ما، در دومین قدم نشان دهنده خواصی همه بزرگ و همه دلپذیر بود. قدم اول را ایتان در خلال اردوی کوتاه مدت و بدون امکان برداشته بودند. در اردوکی که در آن نه از «استاد» خبری بود، نه از آقا بالاسر پرسروصدا و نه از نهار خوب و میوه خوثر و سایر مسائلی که همیشه حرف ساز بوده است. مردان ما، که میدانستند برای چه کاری خوانده شده‌اند، مردانه کار کردند.

و حاصلش را شب پیش دیدیم.

شب پیش تیمی مغلوب شد که دو روز بیشتر در اهواز، از لائریو و همه هیچگاهر ساخته بود. در اهواز ۳–۰ پیروز شدن آنهام براین تیم نیروکه امسال مشکل گل میخورد و صاحب یکی از بهترین خطوط دفاعی است، کار کوچکی نمیتواند باشد که از هر تیم معمولی سریزند. تیمی که شب پیش مغلوب شد، سال پیش، در دومیدان، یکبار گروهی از ملی پوشان، نامزد سفر به استرالیا را ۱–۳ مغلوب کرد و در بازی دوم ۱–۱ مساوی کرد. در بازی مساوی هم برتر بود.

دانشه های مادر مورد تیم۳۳ ساله های شوروی بهمین جا و همین مقدار ختم نمیشود. در آخرین جام بین‌المللی ایران، تیم ملی ما را همین تیم حذف کرد، و موجب دگرگونی بزرگ را در آستانه مسابقات مقدماتی المپیک ۷۶ فراهم کرد. البته در همانسال باز هم یک تیم جوان ما آن تیم۲۳ ساله های شوروی را مغلوب کرد. اما مفید فایده واقع نشد. کمالاینکه در طول اردوی جام جهانی هم تمام نمایشهای شایستگی سفید واقع نشد. کمالاینکه بازی در کویت» هم فایده نداشت!

امجدیه– به غیر از این هم نمیتوانست باشد. گفته بردیم که جامعی فوتبال ما کلا جامعالیست محافظه کار و یکنوع بخصوص سنت‌گرا. یعنی بدون آنکه با ارزشهای کهن و همه با ارزش و ستودنی احترام شایستهای بگذارد ،جوری با گذشته پیوند دارد. مردان نامور شده را همیشه چنان می‌پسند که در روزهای اوج بوده‌اند. در عوض به کمتر نامور شده‌ها به آنها که هنوز مجال کافی برای ابراز شایستگی و لیاقت بدست نیاورده‌اند، اعتنایی ندارند.

با توجه به این خاصیت جمعیت فوتبال بود که وقتی دیدیم ورزشگاه بیشتر از آنکه پر باشد خالی است و خیلی هم خالی است، تعجبی نکردیم. چرا که تیم عصر روز پیش– تیم مثلا۲۳ ساله‌ما– تیمی بود برخلاف عادت وست. تیمی بود انتخاب شده از میان جوانهاییکه برای چهار سال بعد، یعنی پسرای جام جهانی۸۲ اسپانیا باید نماینده فوتبال ما باشند. مردم فوتبال، همین را خوب پذیرامیشوند. جانشین شدن گروهی جوان را بجای گروهی که دیگر برای خدمت به تیم ملی، کم و بیش ظرفیتشان تکمیل شده. منهای خلوت بودن ورزشگاه، حاضران هم صاحب شوق و شور همیشگی نبودند. یعنی شانهای محافظه‌کاری را نه فقط در عدم حضور تماشاگران، بلکه با حضور آنها نیز براحتی میشد احساس کرد، و همگان احساس کردند. با اینهمه، تیم جوان مادر دومین قدمی که برداشت، نشان داد که پائها امید پستن بی جا نیست. نشان داد که چه بی دلیل و چه «بد» روزهای خوبی را از دست دادیم.

روزهای خوبی در جام جهانی که بهترین فرصت برای نشان دادن ارزشهای مابود، و هم بهترین فرصت بود برای بالا بردن